



## نظریه روان‌شناختی هوش هیجانی و مهارت طنز و شوخ‌طبعی در بوستان

امین عزیزی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران

دکتر هادی حیدری نیا (نویسندهٔ مسئول)<sup>۲</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

دکتر محمدحسین فلاح<sup>۳</sup>

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۲۲

### چکیده

نوشتن مقالات علمی و طرح مباحث میان‌رشته‌ای در رابطه با آن‌ها، از علائق پژوهشگران در سال‌های اخیر است. یکی از این مباحث، انعکاس علم روان‌شناسی در آثار ادبی و انطباق آن با تئوری‌های نوین روان‌شناسی می‌باشد. در این مقاله، هوش هیجانی و مهارت طنز و شوخ‌طبعی در بوستان، بررسی

---

1. amineazizi@yahoo.com

2. Heidari\_hadi\_pnuak@yahoo.com

3. Fallahyazd@iauyazd.ac.ir

و با علم امروزی روان‌شناسی تطبیق داده شده است. در بوستان، سعدی روند زندگی را به سمت تکامل اخلاقی و انسانی دنبال می‌کند و از قالب حکایت برای بیان بهترین روش‌های زندگی بهره می‌گیرد و با استفاده از سبک تصویرپردازی، سعی دارد برای بهبود روابط و رفتارهای انسانی، راهکارهایی را ارائه کند. هدف سعدی در بوستان، آموزش بهتر زیستن به تمام افراد جامعه، در هر سن، مقام و با هر طبقه اجتماعی، برای دستیابی به شادکامی و زندگی سالم است. روش‌هایی که امروزه با گذشت قریب به هشتاد سال از تألیف بوستان، با اصطلاح هوش هیجانی (*Emotional Intelligence*) شناخته شده است؛ روش‌هایی شامل مهارت‌های کنارآمدن با پیچیدگی‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های شخصی که به نتیجه مثبت می‌انجامد و وضعیت مطلوب را به وجود می‌آورد. این پژوهش بیان می‌کند که سعدی از این مهارت آگاهی داشته و آن‌ها را با تصویرپردازی عاطفی به مخاطب خود ارائه کرده که امروزه با نظریه‌ها و مهارت‌های ارائه شده از جانب روان‌شناسان عصر حاضر مطابقت دارد.

**واژگان کلیدی:** بوستان سعدی، تصویرپردازی عاطفی، حکایت، طنز و شوخ‌طبعی، هوش هیجانی.

## ۱. مقدمه

در ادبیات فارسی، با توجه به مقام استثنایی و غنای آن، نکته‌های اخلاقی و روان‌شناسی بسیاری نهفته است که کشف، مقایسه و تطبیق آن‌ها با یافته‌های روان‌شناسی نوین، امری ضروری و رسالتی بالقوه است. شیخ مصلح الدین مشرف الدین سعدی شیرازی، از بزرگ‌ترین دانشمندان و ادیبان ایرانی است که در باب آموزش مباحث اخلاقی، سخن گفته و از جمله مریبان بزرگ اجتماعی است که آموزش را اساس نیکبختی و سعادت افراد می‌داند. به همین دلیل حکمتی عملی را در حکایت‌ها و پند و اندرزهای اثر ارزشمند خود، بوستان، گنجانیده که اساس این پژوهش بر آن است. بوستان نمونه برجسته و ممتازی از مجموعه حکایت‌ها با محتوای پند و اندرزهای اخلاقی است. آشنایی سعدی به فرهنگ و معارف اسلامی نیز رنگ و معنایی خاص به آثار او بخشیده است. وی مانند یک جامعه‌شناس به

تحلیل رفتار اجتماعی انسان می‌پردازد و این بررسی را در بوستان با تصویرپردازی عاطفی به نمایش می‌گذارد. سعدی از حکایت برای نشان دادن کاربردی بودن مفاهیم آموزشی استفاده کرده تا انجام دادن آن‌ها ناممکن محسوب نشود و این بهترین قالبی است که می‌تواند در آن تفکر، عقاید و آموزش‌های خود را در رفتار و گفتار شخصیت‌های حکایت به تصویر کشیده و مخاطب را با خود همراه کند. سعدی در بیان تعالیم اخلاقی خود مهارت‌هایی را بیان کرده تا بتوان در هنگام بروز مشکل که روان‌شناسان آن را «مسأله» می‌نامند، به کار گرفت و موقعیت تنش‌زا را به وضعیتی مطلوب تبدیل کرد که همان «مسأله گشایی» نامیده شده است. مهارت‌هایی که سعدی برای مقابله با احساسات و عواطف بشری در بوستان بیان کرده است، زمینه را برای بررسی سبک تصویرپردازی عاطفی آن‌ها با نظریه روان‌شناسی هوش هیجانی مهیا کرده است.

در این پژوهش در بررسی و تحلیل حکایت‌های بوستان از نگاهی تازه و کاربردی، به دنبال پاسخ این سؤالیم که برخورد سعدی با سبک تصویرپردازی عاطفی با تکیه بر نظریه روان‌شناسی هوش هیجانی، به چه صورت (انفعالی، تعلیمی و...) است و کنترل این هیجان تا چه میزان در بوستان مورد تأکید قرار گرفته است؟ در این پژوهش فرض بر این است که سعدی نسبت به کاربرد مهارت طنز و شوخ‌طبعی آگاه بوده و با آموزش آن‌ها در قالب حکایت در پی یافتن راهی برای حل بسیاری مشکلات رفتار بشر تا رسیدن به سلامت روانی است.

#### ۱-۱. پیشینه

تاکنون بسیاری از بزرگان عرصه زبان و ادبیات فارسی به نقد و بررسی آثار فاخر ادبی ایران‌زمین، به‌ویژه بوستان سعدی، پرداخته و در این زمینه، قلم‌فرسایی کرده‌اند؛ استادانی چون دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر محمد خزائلی، مصححان و شارحان بوستان و گلستان سعدی، دکتر عبدالحسین زرین کوب و ...

در زمینه دیدگاه‌های روان‌شناسانه و آرای روان‌شناختی سعدی، سخنانی، البته به صورت پراکنده، وجود دارد. به‌عنوان مثال، طاهره صادقی در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل اندیشه‌های سعدی در بوستان با نگاهی بر نظریه روان‌شناختی هوش هیجانی» به بررسی پنج هیجان اصلی خشم، ترس، غم، شادی پرداخته است. همچنین عمران صلاحی در مقاله‌ای با عنوان «طنز سعدی در بوستان» فقط به بیان مفاهیم طنز پرداخته است.

مقالاتی نیز به رشته تحریر درآمده است که بیشتر بر جنبه اخلاقی و تعلیمی بودن بوستان از دیدگاه عرفانی و نیز شخصیت سعدی به‌عنوان معلم اخلاق اتفاق نظر دارد، اما باید گفت تاکنون درباره نظریه روان‌شناختی هوش هیجانی و مهارت طنز و شوخ‌طبعی در بوستان، به طور کامل و جامع، هیچ‌گونه پژوهشی صورت نگرفته است. به همین دلیل، این پژوهش با توجه به ارائه نظریه‌ها و راهکارهای سعدی و مطابقت آن‌ها با روان‌شناسی نوین و نظریه هوش هیجانی و به خصوص کاربردی بودن آن در زندگی روزمره، کاملاً تازگی دارد.

## ۲. هیجان و هوش هیجانی

هیجان یعنی «واکنش شدید و کوتاه ارگانسیم به یک موقعیت غیرمنتظره، همراه با یک حالت عاطفی خوشایند یا ناخوشایند». (گنجی، ۱۳۸۵: ۱۹۷). به گفته روان‌شناسان اجتماعی «در مواجهه با وضعیت‌های دشوار و انسجام برخی کارها که مهم‌تر از آنند که تنها به عقل واگذار شوند، کارهایی از قبیل خطر کردن، مرگ عزیزان، پافشاری بر دستیابی به هدف به‌رغم شکست‌های مکرر، ایجاد رابطه عاشقانه و تشکیل خانواده، این هیجان‌ها هستند که ما را پیش می‌برند.» (گلمن، ۱۳۸۳: ۳۹۰) روان‌شناسان مهم‌ترین هیجان‌ها را به پنج هیجان اصلی: شادی، غم، ترس، خشم و شرم تقسیم‌بندی کرده‌اند.

«دانیل گلمن» معتقد است: «هوش هیجانی یعنی داشتن مهارت‌هایی برای شناخت خودآگاهی از افکار، عواطف، احساسات و پیوستگی رفتاری. هوش هیجانی به آن دسته از مهارت‌ها اطلاق می‌شود که برای ارزیابی مجدد و هدایت به کار می‌بریم تا باعث تغییر ماهیت

و توانایی‌های ما برای تعالی، توسعه، هدایت و ایجاد احساس مثبت از زندگی شود.» (همان: ۱۰۸). هوش هیجانی مبتنی بر پنج عنصر خودآگاهی، خودانگیزی، خودکنترلی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی است.

### ۳. هوش هیجانی و مهارت طنز و شوخ‌طبعی در بوستان

#### ۳-۱. طنز و شوخی طبعی

واژه «طنز» در لغت به معنی ناز و فسوس کردن، فسوس داشتن، طعنه، سخریه، به کسی خندیدن و عیب کردن، لقب کردن و سخن را به رموز گفتن است و «طنز کردن» به معنی عیب‌جویی، طعنه زدن و تمسخر می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۴۵، ذیل طنز)

در فرهنگ از مفهوم طنز به صورت «هجو»<sup>۴</sup> یاد می‌شود که از اقسام کلام خنده آمیز است و در کنار «کمدی»<sup>۵</sup> و «طعنه»<sup>۶</sup> قرار می‌گیرد و آن را چنین تعریف کرده‌اند که «سخنی است، اعتراض آمیز و لطیف و نیشخند انگیز که قصدش انتقاد و اصلاح جامعه است. در حالی که هزل، خشن و تند و فحش آلود است و خنده آور، ولی معمولاً هدف اجتماعی و انتقادی ندارد و گاهی ناشی از طمع کسب مال و مقام است که در این صورت آن را هجو می‌گویند» (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ج ۲، ۶۷۸).

طنز عبارت است از بیان زشتی‌ها و کاستی‌های رفتار و اعمال و گفتار کسی، گروهی یا اجتماعی و این تنها یک انتقاد است، انتقادی که صرفاً بغض و بدخواهی یا تمسخر و عیب‌جویی نیست؛ بلکه نوعی تاختن بر زشتی‌ها و فسادهای اجتماعی است. طنز واقعی آن است که علاوه بر عملکردهای انتقادی، کار کرده‌ای درمانی نیز داشته باشد.

«طنز، هنر ظریفی است و همیشه نویسنده طنز روی لبه تیغ حرکت می‌کند، اگر زیاده از حد، طنز را جدی بگیرد، تبدیل به دشنام نامه می‌شود و اگر زیاد، سستش کند، بدل به چیزی مضحک می‌شود در هنر طنز، باید تناسب کامل بین وسعت و تنگنا، احساس عمل و ذهنیت به

<sup>4</sup> .satire

<sup>5</sup> .comedy

<sup>6</sup> .sarcasm

عینیت وجود داشته باشد. به دلیل آنکه هدف طنز، عبارت است از رسیدن به خنده از فوری‌ترین و کوتاه‌ترین راه‌ها... طنز هرگز از زندگی دور نیست، بلکه قسمتی از زندگی انسان است» (براهنی، ۱۳۶۲: ۵۱۳).

طنز نوعی انتقاد است که اغلب به طور مستقیم کار کسی یا گروهی را بازگو نمی‌کند و فرق آن با هجو این است که در آن صراحت تعبیرات هجو وجود ندارد. طنز یکی از مؤثرترین قالب‌های بیان هنری است؛ زیرا این زبان به دلیل جاذبه‌ای که دارد با طبیعت بیشتر افراد سازگار است و بیشترین مخاطب را دارد. طنز به علت انبساط روحی و شادابی که در مخاطب پدید می‌آورد، عواطف و احساسات او را تسخیر کرده و پیام خود را به‌طور غیرمستقیم به روح و جان او منتقل می‌کند.

«طنزنویسی، بالاترین درجه نقد ادبی است و طنزنویس به شرط آن که حوادث و چهره‌ها را دگرگون کند، از فانتزی رئالیستی و از اصول دیگر هنر بدیعی، استفاده می‌کند و این حوادث و چهره‌ها را برجسته‌تر و نمایان‌تر از آنچه هست، جلوه می‌دهد و در بند آن نیست که تابلوی راست و درست باشد» (آرین پور، ۱۳۷۲: ج ۲، ۳۷)

طنزپردازی نوعی هنر و ابتکار، توأم با مباحثی دلسوزانه است. طنزپرداز باید فردی آگاه، دلسوز و آئینه تمام‌نمای جامعه باشد. طنزنویس مثل یک واعظ می‌خواهد دیگران را نسبت به امری تشویق و متقاعد کند؛ اما موقعیت او در برابر مخاطبانش سخت‌تر و ظریف‌تر از وضعیت واعظان است. واعظ می‌کوشد که تقوا را به شنوندگان بقبولاند، اما طنزنویس باید خوانندگان را درباره رفتارها و انسانی‌هایی که او بد می‌داند با خود همراه و هم‌عقیده کند. طنزنویس یک وظیفه مفید اخلاقی و اجتماعی انجام می‌دهد که اعتباری جهان‌شمول دارد.

طنز نیز بخشی از ادبیات است که ضمن نشان واقعیت حاکم بر زندگی فرد یا اجتماع، زشتی‌ها، کاستی‌ها و نواختن را به باد انتقاد گرفته و به تشویق زیبایی‌ها و کمالات می‌پردازد؛

طنز یکی از صنعت‌های ادبی است که با تصویرسازی روشن و جذاب، کاستی‌ها و زشتی‌ها را به مخاطب می‌نمایند و با تبسمی پرمعنا او را به اصلاح آن‌ها ترغیب می‌کند.

طنز روش ویژه در نویسندگی و شاعری است که ضمن دادن تصویری هجوآمیز از جهات زشتی، منفی و ناجور زندگی، معایب و مفسد جامعه و حقایق اجتماعی را به صورتی اغراض آمیز یعنی زشت‌تر و بدترکیب‌تر از آنچه هست، نمایش می‌دهد تا صفات و مشخصات آن‌ها، روشن‌تر و نمایان‌تر جلوه کند و تغییر عمیق وضع موجود با اندیشه یک زندگی عالی به مأمول آشکار گردد. «بدین ترتیب قلم طنز با هر چه که مرده و کهنه و واپس مانده است با هر چه که زندگی را از ترقی و پیشرفت بازمی‌دارد، بی‌گذشت و اغماض مبارزه می‌کند» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۲۱۹).

### ۲-۳. موضوع و هدف طنز

طنز دامنه بسیار گسترده‌ای دارد و می‌تواند مقاله‌های اخلاقی، سیاسی، فرهنگی اجتماعی را در برگیرد. موضوع طنز، ممکن است فرد یا افراد جامعه باشد. در طنز آنچه مورد بحث و انتقاد قرار می‌گیرد انسان و مسائل مختلف زندگی اوست. طنز بر بدی‌ها و پلیدی‌های نفس انسان می‌تازد و با بزرگ‌نمایی آن‌ها، مخاطب را با خطری، آشنا می‌کند که تهدیدش می‌کند. طنز گاهی نیز به نمایاندن معایب و مفسد اجتماعی می‌پردازد و از حقایق تلخ آن پرده برمی‌دارد و افراد جامعه را به آگاهی و اصلاح وضع موجود فرامی‌خواند. طنز اصیل اگر به زشتی‌ها و پلیدی‌های فردی یا اجتماع بپردازد، قصدش انتقام‌جویی و تحقیر فرد یا جامعه نیست، بلکه می‌خواهد آن را به اصلاح امور فراخواند.

«طنز اشاره و تنبّه اجتماعی است که عزلت غفلت را مجازات می‌کند و هدف آن اصلاح و تزکیه است، نه ذم و قدح و مردم‌آزاری. این نوع خنده، خنده علاقه و دل‌سوزی است، ناراحت می‌کند؛ اما ممنون می‌سازد و کسانی را که معروض آن هستند، به اندیشه و تفکر وامی‌دارد» (رستگار فسایی ۱۳۸۰: ۲۲۰)

هدف طنز در طنزپردازی سرگرمی، تمسخر و عیب‌جویی نیست، بلکه هدف آن به‌طور کلی توجه دادن فرد یا اجتماع به نواقص و معایب کار خود، از بین بردن رذایل و تقویت فضائل اخلاقی و در حقیقت تهذیب و اصلاح فرد و اجتماع است. هدف راستین طنز، اصلاح پلیدی‌هاست.

«آینه است که نظاره‌گران عموماً چهره هر کس به‌جز خود را در آن تماشا می‌کنند و به همین دلیل است که در جهان این‌گونه از آن استقبال می‌شود و کمتر کسی آن را برخوردار می‌یابد» (پلارد، ۱۳۷۸: ۷). طنز همیشه به تفاوت میان وضعیت چنان‌که هست و چنان‌که باید باشد، به‌شدت آگاه است.

### ۳-۳. استفاده از مهارت چند و شوخ‌طبعی

مدت‌هاست که روان‌شناسان به ارزش کاربرد طنز و شوخ‌طبعی به‌عنوان نوعی مهارت مقابله‌ای پی برده‌اند. فروید، شوخ‌طبعی را بهترین مکانیسم دفاعی می‌داند. از نظر او «شوخ‌طبعی یک استعداد استثنایی و نادر است که به ما اجازه می‌دهد در مواجهه با تنش به خودمان بگوییم: نگاه کن، این است، معنی دنیایی که ظاهراً خطرناک نامیده می‌شود، مثل بازی بچه‌هاست که خیلی خنده‌دار است» (کلینکه، ۱۳۸۴: ج ۱، ۱۰۸).

پژوهشگران در زمینه طنز و شوخ‌طبعی و ارتباط آن با سلامت روانی و ارزش آن به‌عنوان نوعی مهارت مقابله‌ای نتایج زیر را بیان کرده‌اند:

۱. افرادی که از طنز و شوخ‌طبعی خوبی برخوردارند، در مقایسه با افرادی که این مهارت را دارا نیستند، احتمالاً در هنگام مواجهه با تجربیات تنش‌زا، کمتر با خلق منفی، واکنش نشان می‌دهند.

۲. طنز و شوخی طبعی، روش مؤثری برای مقابله با عواطف منفی از قبیل خشم، غمگینی و

افسردگی و... است



۳. افرادی که از مهارت طنز و شوخ طبعی برخوردارند، شانس بیشتری برای داشتن جسمی سالم دارند. مطالعات نشان می‌دهد که چند و شوخ طبعی با عملکرد مثبت دستگاه ایمنی و علائم تنش‌های ویژگی فیزیولوژیکی، کمتر ارتباط دارد. (همان: ۱۱۰)

به طور کلی می‌توان گفت طنز و شوخ طبعی از چند طریق به ما کمک می‌کند تا با تنش‌ها مقابله کنیم.

۱. طنز و شوخ طبعی احساس خودکارآمدی ما را بالا می‌برد و بدین ترتیب به جای اینکه شخص با ترس یا دستپاچگی به رویدادهای تنش‌زا واکنش نشان دهد می‌تواند با استفاده از طنز و شوخ طبعی به آسانی و بدون ناراحتی با آن رویدادها مقابله کرده و آن‌ها را به عنوان چالش‌ها<sup>۷</sup> تلقی کند.

۲. طنز و شوخ طبعی کمک می‌کند تا شخص از آن مشکل، فاصله بگیرد و در عوض برای یافتن راه‌حل‌های دیگر، فرصتی بیابد.

۳. فایده‌های دیگر طنز و شوخ طبعی این است که مردم بیشتر مایل‌اند در کنار افراد شاد و سرحال باشند و از آن‌ها حمایت کنند (همان: ۱۱۵)

نوع طنز و شوخ طبعی که به نظر سالم‌تر می‌آید، نوع ملایم و معطوف به خود است. این نوع باعث می‌شود که شخص خود را خیلی جدی نگیرد، این نوع سالم طنز و شوخ طبعی با نوع ناسالم آن مغایرت دارد که توأم با مسخره و خصومت است.

چهار نکته درباره ارزش طنز و شوخ طبعی به عنوان نوعی مهارت مقابله‌ای وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. طنز و شوخ طبعی نوعی تناقض<sup>۸</sup> است.
۲. طنز و شوخ طبعی ویژگی منحصر به فرد انسان است که با جدا کردن افراد از دردها و ناراحتی‌هایشان به نوعی احساس اجتناب و کنترل در آن‌ها ایجاد می‌کند.

<sup>۷</sup>.challenge

<sup>۸</sup>.paradoxical

۳. طنز و شوخ‌طبعی یادآوری‌کننده بررسی مسئله از جنبه‌های مختلف است.

۴. طنز و شوخ‌طبعی نوعی تأیید خویش‌شناسی<sup>۹</sup> است. (همان ۱۲۰)

### ۳-۴. مهارت طنز و شوخ‌طبعی سعدی در بوستان

طنز به‌تنهایی یکی از انواع ادبی محسوب می‌شود که تنیدی و تیزی هجو را ندارد و مقاصد اصلاح‌طلبانه و اجتماعی را دنبال می‌کند؛ بنابراین ایجاد طنز در کلام، هدف نیست، بلکه وسیله است. البته در ادبیات ملل از دیدگاه‌های مختلفی نگریسته می‌شود و نقادان معانی و تعاریف متفاوتی از طنز ارائه دادند. همین دیدگاه، موجب شده است. «تا منتقدان و ادبای ایران برخلاف انتظار، به طنز سعدی بی‌توجه بوده و آثار او را به‌تنهایی دارای هزل دانسته‌اند؛ زیرا در فرهنگ ایرانی، طنزی که نتواند ما را بخنداند شناخته نمی‌شود.» (پزشک زاد، ۱۳۸۱: ۴۹) این در حالی است که غریبان سعدی را یکی طنزپرداز و انسان شوخ‌طبع به معنای واقعی کلمه می‌دانند. ارنست رنان، سعدی را با طنزپردازان قرن ۱۶ مقایسه می‌کند و در این در حالی است که به عقیده عموم مورخان و محققان ادبی در قرن شانزدهم و هفدهم دوران طلایی طنز در فرانسه است. یان ریپکا نیز درباره طنز و شوخ‌طبعی سعدی معتقد است: «ما سعدی را در یکی از محبوب‌ترین شعرای اخلاقی ادبیات فارسی و یکی از مشهورترین شعرای ایران، نه به‌صورت یک نفر مربی عبوس، بلکه به‌صورت شخصی بشاش، خوش‌مشراب با کور سویی از بدله‌گویی شیطنت‌آمیز می‌دانیم» (ریپکا: ۱۳۶۴: ۱۰۱)

باید گفت که یکی از ویژگی‌های برجسته سعدی نه‌تنها در بوستان، بلکه در تمامی آثارش، طنز و شوخ‌طبعی است که خود نشان‌دهنده برخورداری هوش اجتماعی بالای سعدی در بوستان است که توانسته در دل هر خواننده‌ای نفوذ کند.

<sup>۹</sup> .self-affirmation

سعدی برای بیان بسیاری مقاصد تعلیمی خود لحن شوخ و طنزآمیز دارد و هر جا که حکایتی را برخلاف اخلاقیات تعریف کرده، خواسته است تا خفگیات زشت انسان را نشان داده و مذمت و نکوهش کند. سعدی در بوستان، درباره بسیاری از معضلات فردی و اجتماعی از شوخ طبعی و لحن طنزآمیز خود استفاده کرده است، از آن جمله است:

-درباره باورها و عقاید خرافی مردم

-درباره مدعیان دانا

-درباره عاقبت دردناک بیدادگران

-درباره باهم بودن سختی و آسانی

-درباره افراد متملق و چاپلوس

و به این دلیل که طنز و شوخ طبعی، نشان دهنده قدرت هوش اجتماعی است. هدف دیگر سعدی از بیان برخی حکایت‌ها که با شوخ طبعی و لحنی طنزآمیز بیان می‌شود، این است که به خواننده بیاموزد که: طنز و شوخ طبعی، مهارتی است برای مهار کردن اوضاع نابهنجار یا نوعی مقابله است باخشم، غم، شادی و...

بیشتر گفتار سعدی در بوستان طرب‌انگیز و پرجاذبه است؛ ولی بیشتر مواعظ خود را با طنز و شوخ طبعی بیان می‌کند و در مواعظ‌های خود را در صدف طنز می‌ریزد و داروی تلخ اندرز را برای درمان اجتماع به کار می‌گیرد. «او در بیشتر حکایات خود حقایق تلخ و شیرین زندگی آدمی را با دیده بصیرت می‌بیند و با نگاهی حکیمانه به نقد آن می‌پردازد. سپس کلام خود را در قالب سخنی کوتاه و پرمحتوا با چاشنی طنزآمیز و مخاطبان را به اصلاح کاستی‌ها و پلیدی‌ها فرامی‌خواند» (وامقی، ۱۳۷۴: ۶۴).

### ۳-۵. مصادیق مهارت طنز و شوخ طبعی در بوستان

مهارت طنز و شوخ طبعی ((*irony and hamor skill*) یکی دیگر از نشانه‌های هوش

هیجانی بالای سعدی

است که به شیوه‌ها و صورت‌های گوناگون در حکایت‌های بوستان جلوه‌گر شده است. در «حکایت شناختن دوست و دشمن را»، در باب اول بوستان، سعدی با بیان حکایت نگهبان مرعی و دارای فرخ تبار مهارت طنز و شوخ‌طبعی نگهبان مرعی را در آگاه کردن پادشاه به وظایفش و آگاهی اجتماعی به زیبایی بیان کرده است:

شنیدم که دارای فرخ تبار ز لشکر جدا ماند روز شکار  
 دوان آمدش گله‌بانی به پیش به دل گفت، دارای فرخنده کیش  
 مگر دشمن است این که آمد به جنگ ز دورش بدوزم به تیر خدنگ  
 کمان کیانی به زه راست کرد به یک‌دم وجودش عدم خواست کرد  
 بگفت ای خداوند ایران و تور که چشم بد از روزگار تو دور  
 من آنم که اسبان شه پرورم به خدمت بدین مرغزار اندرم  
 ملک را دل رفته آمد به جای بخندید و گفت: ای نکوهیده رای  
 تو را یاوری کرد فرخ سروش وگرنه، زه آورده بودم به گوش  
 (سعدی، ۱۳۸۴: ۴۹۰-۴۸۳)

نگهبان مرعی که دارای فرخ تبار را در خواب غفلت می‌بیند و می‌داند که شاه در انجام دادن مسئولیت کوتاهی کرده است، با زبان شیرین و تأثیرگذار طنز و با استفاده از مهارت شوخ‌طبعی او را از خواب غفلت، می‌رهاند و نقص و کاستی در انجام دادن وظایفش را به زیبایی به او یادآوری می‌کند.

نگهبان مرعی بخندید و گفت: نصیحت ز منعم نباید نهفت  
 نه تدبیر محمود و رای نکوست که دشمن نداند شهنشه ز دوست  
 چنان است در مهتری شرط زیست که هر کهتری را بدانی که کیست  
 مرا بارها در حضر دیده‌ای ز خیل و چراگاه پرسیده‌ای  
 کنونت به مهر آدمم پیشباز نمی‌دانیم از بداندیش باز

توانم من، ای نامور شهریار      که اسبی برون آرم از صد هزار  
 مرا گله‌بانی به عقل است و رای      تو هم گله خویش باری، پبای  
 در آن تخت و ملک از خلل غم بود      که تدبیر شاه از شبان کم بود  
 (سعدی: ۴۹۳-۴۹۱)

سعدی با این حکایت و با استفاده از مهارت طنز و شوخ‌طبعی از زبان نگهبان مرعی مهارت جرئت ورزی را به مخاطب می‌آموزد و آن را راهی برای آگاه کردن صاحبان قدرت می‌داند که از شنیدن سخن پوست باز کرده رنجیده‌خاطر شده و عکس‌العمل نامطلوب از خود بروز می‌دهند نیز استفاده از این مهارت و بیان واقعیت سبب جلوگیری از ظلم و ستم و نابسامانی در امور کشور شده و از ایجاد خلل و غم و ناراحتی نیز در میان افراد جامعه جلوگیری می‌کند. در حکایتی از باب دوم از مهارت طنز و شوخ‌طبعی برای آشنا کردن افراد به خصلت ناپسند بخل و خساست، کمک می‌گیرد.

شنیدم که مردی است پاکیزه بوم      شناسا و رهرو، در اقصای روم  
 من و چند صیاد صحرانورد      برفتم قاصد به دیدار مرد  
 سر و چشم هر یک بیوسید و دست      به تمکین و عزت نشاند و نشست  
 زرش دیدم و زرع و شاگرد و رخت      ولی بی‌مروت چو بی‌بر درخت  
 به لطف و سخن گرم رو مرد بود      ولی دیگدانش عجب سرد بود  
 همه‌شب نبودش قرار و هجوع      ز تسبیح و تهلیل و ما را ز جوع  
 سحرگه میان بست و در باز کرد      همان لطف و پرسیدن آغاز کرد  
 (سعدی: ۱۳۷۷-۱۳۷۱)

سعدی در برابر مرد پاکیزه بوم که در عین دارایی، از خصلت ناپسند بخل بی‌بهره نیست از زبان یکی از مسافران با استفاده از مهارت شوخ‌طبعی و طنز او را به زشتی و ناپسندی این رذیلت اخلاقی آگاه می‌کند و به بخشش و نیکی و عمل به‌جای گفتار شیرین و سخن ریایی دعوت می‌کند.

یکی بد که شیرین و خوش‌طبع بود که با ما مسافر در آن ربع بود  
 مرا بوسه گفتا به تصحیف ده که درویش را توشه از بوسه به  
 به خدمت منه، دست بر کفش من مرا نان ده و کفش بر سر بز  
 به ایثار مردان سبق برده‌اند نه شب زنده داران دل مرده‌اند  
 همین دیدم از پاسبان تتار دل‌مرده و چشم شب زنده‌دار  
 کرامت جوانمردی و نان‌دهی است مقالات بیهوده طبل تهی است  
 قیامت کسی بینی اندر بهشت که معنی طلب کرد و دعوی بهشت  
 به معنی توان کرد دعوی درست دم بی قدم تکیه‌گاهی است سست  
 (سعدی: ۱۳۸۵-۱۳۷۸)

می‌توان تصور کرد که بیان این مطلب بدون استفاده از شوخ‌طبعی نه تنها تأثیری در رفتار افراد ندارد؛ بلکه سبب عداوت و دشمنی نیز در میان افراد جامعه و دوستان خواهد شد. در حکایتی از باب پنجم بوستان، سعدی به عقاید خرافی و باطل در میان جامعه می‌تازد و برای تأثیر بیشتر، سخن و اعتراض خود را به نادانی افراد با طنز و شوخ‌طبعی بیان می‌کند:

یکی روستایی سقط شد خرش علم کرد بر تاک بستان سرش  
 جهان‌دیده پیری بر او بر گذشت چنین گفت خندان به ناطور دشت  
 میندار جان پدر کاین حمار کند دفع چشم بد از کشتزار  
 که این دفع چوب از سر و گوش نمی‌کرد تا ناتوان مرد و ریش  
 خویش چه داند طیب از کسی رنج برد که بیچاره خواهد خود از رنج مرد؟  
 (سعدی: ۲۵۹۲-۲۵۸۹)

سعدی در این حکایت با استفاده از مهارت طنز و شوخ‌طبعی، زشتی عمل و عقیده‌ای را با مردم نشان می‌دهد که نمی‌توان با زبان ساده و صریح بیان کرد؛ چرا که سبب رنجش و نابهنجار می‌شود، پس با زبان طنز آن‌ها را به تفکر عقلانی و واقع‌گرایی دعوت می‌کند.

در حکایتی دیگر از همین باب به گونه‌ای دیگر و بامهارت طنز و شوخ طبعی خود یکی دیگر از نقص‌ها و رذایل اخلاقی جامعه را بیان می‌کند و بدین گونه تنها سعی در آگاه‌سازی افراد برای رفع عیوب و زشتی‌های اخلاقی و رفتاری‌شان دارد تا جامعه به سمت اصلاح و سلامت روانی و رفتاری پیش رود:

سیه‌کاری از نردبانی فتاد  
 پسر چند روزی گرستن گرفت  
 به خواب اندرش دید و پرسید حال  
 بگفت ای پسر قصه بر من مخوان  
 نکوسیرتی بی تکلف برون  
 به نزدیک من شبرو راهزن  
 گرت بیخ اخلاص در بوم نیست  
 به روی و ریا خرقه سهل است دوخت  
 شنیدم که هم در نفس جان بداد  
 دگر با حریفان نشستن گرفت  
 که چون رستی از حشر و نشر و سؤال؟  
 به دوزخ درافتادم از نردبان  
 به از نیکنامی خراب اندرون  
 به از فاسق پارسا پیرهن  
 از این بر کسی چون تو محروم نیست  
 گرش با خدا در توانی فروخت  
 (سعدی: ۲۶۸۸-۲۶۷۰)

سعدی مصلح اجتماعی است و در تمام حکایت‌های بوستان به دنبال یافتن راهی برای آموزش بهتر زیستن و ایجاد صلاح در کار مردم است. ریاکاری از رذایلی که جامعه را به نابودی و نابسامانی سوق می‌دهد و آگاه کردن مردم به این خصلت، ناپسند جز با استفاده از زبان طنز و مهارت شوخ طبعی این گونه مؤثر نمی‌افتد. سعدی نیز بدین گونه و با این مهارت سعی در هشیاری و اصلاح جامعه بشری دارد تا از ایجاد موقعیت‌های تنش‌زا و نابهنجار جلوگیری کند. در حکایتی از باب ششم قناعت را می‌ستاید و با بیان طنزآمیز خود زشتی زیاده‌خواهی را به زیبایی و شیرینی بیان می‌کند:

یکی گربه در خانه زال بود  
 دوان شد به مهمان‌سرای امیر  
 که برگشته ایام و بدحال بود  
 غلامان سلطان زدندش به تیر  
 چکان خوش از استخوان، می‌دوید  
 همی گفت و از هول جان می‌دوید

اگر جستم از دست این تیر زن      من و موش و ویرانه پیرزن  
 نیرزد غسل، جان من، زخم نیش      قناعت نکوتر به دوشاب خویش  
 خداوند از آن بنده خرسند نیست      که راضی به قسم خداوند نیست  
 (سعدی: ۲۷۹۶-۲۷۸۹)

فساد اقتصادی که از زشتی‌های جامعه است و از فساد اخلاقی نشأت می‌گیرد. یکی از معایب جامعه بشری است که سعدی تنها راه بیان آن را در استفاده از مهارت طنز و شوخ طبعی برای آگاه کردن و بیداری حاکمان در انجام دادن وظایفشان و اصلاح امور و مملکت‌داری می‌یابد تا مؤثرتر واقع شود. حکایت دزد و سیستانی در باب هفتم بوستان از این گونه است:

شنیدم که دزدی درآمد ز دشت      به دروازه سیستان برگذشت  
 بدزدید بقال از او نیم دانگ      برآورد دزد سیه‌کار بانگ:  
 خدایا تو شبرو به آتش مسوز      که ره می‌زند سیستانی به روز  
 (سعدی: ۲۸۰۳-۲۷۹۷)

بار دیگر در حکایتی از باب نهم، نابسامانی و اوضاع آشفته و ناراستی‌ها و معایب اخلاقی را بیان نمونه‌ای دیگر از فساد اخلاقی - اقتصادی جامعه، با استفاده از مهارت طنز و شوخ طبعی بیان می‌کند:

یکی مال مردم به تلبیس خورد چراغ علم      چو برخاست، لعنت بر ابلیس کرد  
 چنین گفتش ابلیس اندر رهی      که هرگز ندیدم چنین ابلهی  
 تو را با من است ای فلان، آشتی      به جنگم، چرا گردن افراستی؟  
 دریغ است فرموده دیو زشت      که دست ملک بر تو خواهد نبشت  
 روا داری از جهل و ناباکیت      که پاکان نویسند ناباکیت  
 (سعدی: ۳۰۷۸-۳۰۷۶)



و بدین گونه سعی در به راه آوردن انسان‌ها و آگاهی‌شان به خطای خود دارد و آن‌ها را به توبه کردن از خطای خود تشویق می‌کند:

فرا شو چو بینی ره صلح باز که ناگه در توبه گردد فراز

(همان: ۳۷۹۶)

ناگفته پیداست که سعدی در بوستان مهارت طنز و شوخ‌طبعی را برای بیان کاستی‌ها و نقص‌ها، معایب اخلاقی و رفتاری و هرگونه رفتار نادرست بهترین و مؤثرترین مهارت می‌داند و با استفاده از آن سعی می‌کند بدون ایجاد غم، خشم، تنفر، کینه‌توزی و ... در افراد و اجتماع برای حرکت جامعه بشری به سمت کمال انسانی تلاش کند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

بوستان سعدی کتابی است برای انسان‌ها آن‌گونه که باید رفتار کنند نه آن‌گونه که رفتار می‌کنند. وی استعداد و نبوغ ادبی و هنری خود را برای بیان تعهدات اجتماعی خود به خدمت گرفته و در پی آموزش مفاهیم اخلاقی به انسان‌ها تا رسیدن به کمال انسانی است. به همین دلیل سعدی را شاعر انسانیت نامیده‌اند. سعدی در بیان تعالیم اخلاقی همان مهارت‌هایی را به خواننده می‌آموزد که امروزه آن‌ها را مهارت‌های زندگی می‌نامند که در حقیقت مهارت‌هایی برای حل مسئله یا «مسئله‌گشایی» هستند.

مهارت‌هایی که سعدی برای مقابله با احساسات و هیجان‌های بشری در بوستان بیان کرده است، زمینه را برای بررسی و تطبیق آن‌ها با نظریه روان‌شناختی هوش هیجانی مهیا کرده است. در بررسی مهارت‌های مقابله‌ای ارائه شده از دیدگاه سعدی در بوستان و مقایسه آن‌ها با مهارت‌های ارائه شده در علم روان‌شناسی نوین به این نتیجه رسیدیم که سعدی از روان‌شناسی عملی استفاده کرده و از هوش هیجانی در سطحی مطلوب بهره‌مند است. هوش هیجانی دارای مؤلفه‌هایی است که بر آگاهی انسان در روابط بین فردی و میان فردی تأکید می‌کند و این مؤلفه‌ها به مهارت‌هایی که سعدی در رابطه با رفتارهای فردی و اجتماعی در حکایت‌های بوستان مطرح کرده، یکسانی و مطابقت دارد.

طنز و شوخ طبعی که از نظر روان‌شناسان یکی از بهترین مهارت‌های مقابله‌ای است و با سلامت روانی ارتباط دارد. در بوستان از جایگاه والایی برخوردار است. سعدی از طنز و شوخ طبعی برای مقابله با هیجان‌های خشم، غم و... استفاده می‌کند و آن را وسیله‌ای برای بیان معضلات اجتماعی و فردی، همچون باورها و عقاید خرافی، مشکلات اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی می‌داند، به گونه‌ای که سبب اصلاح معایب در جامعه شده و بدون ایجاد تنش و ناراحتی در افراد، جامعه را به سمت سلامت روانی هدایت می‌کند. مهارت سعدی در استفاده از طنز و شوخ طبعی، یکی دیگر از نشانه‌های هوش هیجانی اوست. سعدی طنز را وسیله‌ای می‌داند که به کمک آن نگهبان مرعی جرئت می‌کند تا پادشاهی را به کوتاهی در انجام دادن وظایفش آگاه کند. طنز وسیله‌ای است که سعدی می‌تواند با آن خبر فساد اقتصادی را بدون دامن زدن به زشتی‌ها و معایب اجتماع، به گوش حاکمان غافل برساند و بدون ایجاد خشم، تنفر، کینه‌توزی و ... جامعه را به سمت کمال انسانی حرکت دهد.

نگاه خوش‌بینانه به زندگی، تفکر خلاقانه، خویش‌ن پذیری، سازگاری، همدلی، جرئت ورزی، انعطاف‌پذیری و بسیاری مؤلفه‌های دیگر که در مؤلفه‌های هوش هیجانی، دیده می‌شود، وجود هوش هیجانی را با توجه به مصادیق آن در بوستان به اثبات می‌رساند.

## ۵. منابع و مآخذ

- آرین پور، یحیی (۱۳۷۲). از صبا تا نیما، ج ۲، تهران: زوآر.
- براهنی، رضا (۱۳۶۲). قصه‌نویسی، تهران: اشرفی.
- پزشک زاد، ایرج (۱۳۸۱). گفتمان نقد، مقالاتی در نقد ادبی، تهران: روزگار.
- پلار، آرتور (۱۳۷۸). طنز، ترجمه سعید سعیدپور، تهران: مرکز.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۵). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰). انواع شعر فارسی، شیراز: نوید شیراز.
- ریپکا، یان (۱۳۵۴). تاریخ ادبیات ایران، ترجمه عیسی شهابی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۴). بوستان، غلام‌حسین یوسفی، تهران: خوارزمی.

- فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳). درباره ادبیات و نقد ادبی، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- کلینکه، کریس. ال (۱۳۸۴) مهارت‌های زندگی، ترجمه شهرام محمدخانی، ج ۲، تهران: اسپند هنر.
- گلمن، دانیل (۱۳۸۳). هوش هیجانی، ترجمه نسرین پارسا، تهران: رشد.
- گنجی، حمزه (۱۳۸۵). روان‌شناسی عمومی، تهران: ساوالان.
- وامقی، ایرج (۱۳۷۴). طنز در آثار سعدی، مجله آشنا، ش ۲۶.

